

Motivations Behind Unveiling Among Women Over 18 in Tehran*

Habibollah Asadollahi 

PhD Candidate, Faculty of Culture, Social and Behavioral Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.
asad.h1434@gmail.com



Abstract

The phenomenon of unveiling (kashf-e hijab) is one of the significant and debated issues in Iran's cultural and political circles. This study aims to examine the motivations behind unveiling among women over 18 in Tehran in 2023, using a survey method. Data were collected through a researcher-designed questionnaire and face-to-face interviews with 992 unveiled women across Tehran's 22 districts. The results indicate that individual motivations play a prominent role in this phenomenon, with 83.6% of participants believing that "being unveiled is not a significant issue," while only 15.4% consider hijab a religious obligation. Additionally, 60.8% of these women are actively experiencing unveiling, although normative pressures remain high, as 83% are reluctant to be labeled "unveiled." The family's role is also notable: 76.1% identified family lifestyle as a factor influencing this type of attire, while 69.6% of spouses and 51.5% of parents support this choice. Political and protest motivations

* Asadollahi, H. (2025). Motivations behind unveiling among women over 18 in Tehran. *Islam and Social Studies*, 13(2), pp. 147-180.
<https://doi.org/10.22081/jiss.2025.70487.2112>

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran

▣ **Received:** 2024/12/08 • **Revised:** 2025/06/15 • **Accepted:** 2025/10/22 • **Available Online:** 2025/11/19

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



also contribute to the phenomenon. The study concludes that cultural policymaking requires a comprehensive understanding of all dimensions of unveiling, from individual and political reasons to family and social contexts.

Keywords

Unveiling, individual motivation, political motivation, social motivation, family motivation.

انگیزه‌های کشف حجاب بانوان بالای ۱۸ سال شهر تهران*

حبیب الله اسداللهی 

دکتری، دانشکده فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران.

asad.h1434@gmail.com

چکیده

پدیده کشف حجاب یکی از مسائل مهم و مورد بحث در محافل فرهنگی و سیاسی کشور است. پژوهش حاضر با هدف بررسی انگیزه‌های کشف حجاب در میان بانوان بالای ۱۸ سال شهر تهران، در سال ۱۴۰۲ و با روش پیمایش انجام شده است. داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه حضوری با ۹۹۲ نفر از بانوان کشف حجاب کرده در مناطق ۲۲ گانه تهران گردآوری شد. نتایج نشان می‌دهد انگیزه‌های فردی نقش پررنگ تری در این پدیده دارند؛ به طوری که ۸۳/۶ درصد شرکت کنندگان معتقدند «بی‌حجابی مسئله مهمی نیست» و تنها ۱۵/۴ درصد حجاب را یک دستور دینی می‌دانند. همچنین ۶۰/۸ درصد از این بانوان در حال تجربه کشف حجاب هستند، اما هنوز فشار هنجاری بالایی وجود دارد؛ به طوری که ۸۳ درصد تمایلی به برچسب «بی‌حجاب» ندارند. نقش خانواده نیز چشم گیر است؛ ۷۶/۱ درصد سبک زندگی خانوادگی را زمینه ساز این نوع پوشش دانسته‌اند. همچنین ۶۹/۶ درصد همسران و ۵۱/۱ درصد والدین با این پوشش همراه‌اند. انگیزه‌های سیاسی و اعتراضی نیز در این پدیده نقش دارند. بنابراین، سیاست گذاری فرهنگی نیازمند درک جامع از همه ابعاد این پدیده، از دلایل فردی و سیاسی تا زمینه‌های خانوادگی و اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها

کشف حجاب، انگیزه فردی، انگیزه سیاسی، انگیزه اجتماعی، انگیزه خانوادگی.

* اسداللهی، حبیب الله. (۱۴۰۴). انگیزه‌های کشف حجاب بانوان بالای ۱۸ سال شهر تهران. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۲)، صص ۱۴۷-۱۸۰.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2025.70487.2112>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۸ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۲۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۸/۲۸

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



۱. بیان مسئله

مقوله پوشش اکنون نه تنها از از وجوه مشخصه نظام فرهنگی و سیاسی ایران، که نماد جامعه اسلامی در سطح بین‌المللی است و معانی زیادی را برای کنشگران معتقد به حجاب و نیز ناظران آن در بردارد. حجاب زنان مسلمان در طی دوره‌های حیات خویش با فراز و فرودهای چندی مواجه گشته است. در عصر غلبه تفکر مدرن، این نماد در میانه تضادهای اجتماعی و کشمکش‌های گروه‌های اجتماعی، تغییراتی کرده است. پدیده حجاب مانند سایر پدیده‌های فرهنگی امری چندوجهی است و حداقل باید آن را بر ساخته نگاهی دینی و نگرشی عرفی دانست. «در اندیشه دینی، بدن عرصه مهم و خطیری است که می‌تواند نقطه مقابل روح واقع شده و باعث سقوط و انحطاط اخلاقی فرد شود و یا به کمک روح آمده و زمینه را برای رشد و تعالی معنوی فرد فراهم کند.» (سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۲۹).

«پوشش و حجاب به مثابه رسانه‌ای ارتباطی و به عنوان کنشی اجتماعی، از یک سو تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و از سوی دیگر متأثر از کنشگران زن و مرد اجتماعی. در سال‌های پس از انقلاب، به دلیل آسیب‌پذیری درونی جامعه و تهدیدهای بیرونی، انتقال فرهنگی حجاب با اختلال مواجه شد. رعایت نکردن حجاب اسلامی، احساسات بخش‌هایی از جامعه را متأثر کرد و به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل شد.» (محبوبی‌منش، ۱۳۸۶، ص ۲۳).

آشوب‌های خیابانی سال ۱۴۰۱ جدای از هزینه‌های گوناگون سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی از ابعاد و پیامدهای فرهنگی نیز برخوردار بود که به طور خاص در مسئله حجاب و پوشش زنان نمود داشته و مهم‌تر از آن امتداد بُعد فرهنگی این حوادث و عادی‌شدن و تشدید پدیده بی‌حجابی در جامعه نسبت به قبل بوده است. پدیده‌ای که در بیان آیت‌الله خامنه‌ای «چالش تحمیلی» یاد شده است و دستگاه‌های مسئول، موظف به ورود به ابعاد آن شدند. صرف نظر از ابعاد دیگر این حادثه که مورد تحلیل‌های مختلفی نیز قرار گرفته است، این آشوب‌ها که در ابتدا

اعتراض به وضعیت اقتصادی، نابرابری‌ها و برخی فسادهای موجود را دنبال می‌کرد، هرچه پیش رفت، سمت‌وسوی دیگری یافته و با شعار «زن، زندگی، آزادی» به عفت‌زدایی و حیا‌زدایی، قبح‌شکنی و تابوشکنی در مقوله حجاب و معنازدایی از مقولاتی مانند غیرت و ناموس تغییر جهت داد که این فرایند، برخلاف سایر ابعاد آشوب‌ها هنوز هم در سطح رسانه‌ها و هم در سطح جامعه و خیابان‌های شهر ادامه یافته و شاید رو به تشدید است.

بدیهی است بروز و گسترش چنین پدیده‌ای برای جامعه ایرانی اسلامی دارای فرهنگ غنی به‌هیچ‌وجه زیبنده نیست. بدون شک عدم برخورد مناسب و تساهل با این موارد، ضربات مخربی به بدنه جامعه اسلامی و به‌ویژه بنیان خانواده خواهد زد. از آنجا که لزوم برخورد مناسب و مؤثر با هر معضل اجتماعی، شناخت عوامل و چرایی بروز آن رفتار است؛ لذا در این مطالعه تلاش شده با نگاهی جامعه‌شناسانه انگیزه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی این مسئله را تحلیل کنیم.

۲. سؤالات تحقیق

سؤال اصلی: انگیزه‌های کشف حجاب بانوان بالای ۱۸ سال شهر تهران چیست؟
سؤالات فرعی:

- ۱- انگیزه‌های سیاسی کشف حجاب بانوان بالای ۱۸ سال شهر تهران چیست؟
- ۲- انگیزه‌های فردی و بینشی کشف حجاب بانوان بالای ۱۸ سال شهر تهران چیست؟
- ۳- انگیزه‌های خانوادگی کشف حجاب بانوان بالای ۱۸ سال شهر تهران چیست؟
- ۴- انگیزه‌های اجتماعی کشف حجاب بانوان بالای ۱۸ سال شهر تهران چیست؟

۳. پیشینه تحقیق

در زمینه علل و زمینه‌های گرایش یا عدم گرایش به حجاب از منظرهای دینی،

روانشناسی، جامعه‌شناسی و مانند آن پژوهش‌هایی وجود دارد؛ اما از میان کارهای انجام شده پژوهش‌هایی که با تکیه بر داده‌های میدانی به توصیف وضعیت موجود و تحلیل آن پردازند، محدود است. در ذیل به برخی از مهم‌ترین این موارد اشاره می‌شود:

۱- تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب (مطالعه موردی: گرایش به حجاب در بین دانشجویان دختر دانشگاه مازندران).

هدف از این تحقیق بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش دانشجویان دختر نسبت به حجاب است. جامعه آماری این تحقیق، دانشجویان دختر مشغول به تحصیل در دانشگاه مازندران تشکیل می‌دهند که تعداد آن‌ها در سال ۱۳۹۰ برابر با ۱۳۰۰۰ نفر بوده است. پرسش‌نامه محقق‌ساخته با پایایی ۰/۷۴ به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای در اختیار ۵۶۰ نفر از آن‌ها قرار داده شده است. نتایج تحلیل مسیر و رگرسیون چندمتغیره نشان داد که مهم‌ترین متغیر مؤثر بر گرایش به حجاب، متغیر گرایش به فمینیسم بوده است. سایر متغیرهای مؤثر به ترتیب عبارتند از: عوامل محرک اجتماعی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، سبک زندگی و محل سکونت. مدل تحلیلی تنها ۳۳ درصد عوامل مؤثر بر حجاب را تبیین کرده است. در ضمن گرایش به حجاب و فمینیسم به مثابه دو گرایش متعارض، در حد متوسط به بالا و تا حد قوی در بین جامعه آماری مشاهده شده است.

۲- پوشش و حجاب زنان ایران، موج دوم، سال ۱۳۹۵

جامعه آماری این طرح زنان ۱۵ تا ۷۵ سال ایرانی مسلمان و اندازه نمونه آن ۵۰۰۰ پرسشنامه است. موج اول این طرح سال ۱۳۸۹ و با اندازه نمونه ۱۸۰۰۰ پرسشنامه انجام شده است. این پژوهش در دو بخش حجاب (اخلاق حجاب، عمل به احکام حجاب، نگرش به احکام حجاب و اعتقاد به حجاب) و پوشش در زندگی روزمره (آگاهی از پوشش، زیباشناسی پوشش، نگرش به پوشش، پوشش در فضاهای اجتماعی و خصوصیات پوشش) به توصیف داده‌ها پرداخته است.

۳- «مطالعه کمی نگرش بانوان کشف حجابی و بدحجابی نسبت به مقوله پوشش و حجاب» (۱۴۰۲)، مؤسسه شناخت، کارگروه مخاطب ژوهی

این تحقیق در بین جامعه آماری از سنین ۱۴ تا ۵۰ سال در ۱۴ منطقه شهر تهران و نمونه ۹۹۰ نفری انجام شده است. بخشی از مهم‌ترین نتایج این تحقیق این است که ۴۳ درصد پاسخگویان پوشش را تحمیل نظام می‌دانند. ۱۴ درصد معتقدند حجاب مانع آزادی و فعالیت زنان است. ۳۲ درصد بر این باورند که حجاب مصداق نابرابری بین مرد و زن است. ۹ درصد حجاب را مایه آرامش و امنیت و فقط ۲ درصد موجب منزلت و شخصیت اجتماعی می‌دانند.

عامل تمایزبخشی تحقیق حاضر از سایر پژوهش‌ها، جامعه آماری بانوان کشف حجاب کرده است که علیرغم این که در پژوهش مؤسسه شناخت نیمی از آنان کشف حجابی هستند؛ اما این تحقیق به صورت مستقل آنان را هدف قرار داده است. ضمن این که در تحقیق فوق صرفاً به عوامل نگرشی پرداخته شده؛ اما در تحقیق حاضر به انگیزه‌های سیاسی، خانوادگی و اجتماعی نیز پرداخته شده است.

۴. اهمیت و ضرورت تحقیق

پدیده حجاب در ایران تنها یک حکم شرعی نیست، بلکه نمادی از هویت فرهنگی و سیاسی نظام تلقی می‌شود. اما تحولات اجتماعی، به‌ویژه پس از سال ۱۴۰۱، نشان‌دهنده تغییرات جدی در نگرش و رفتار زنان نسبت به پوشش است. این تغییرات هم‌زمان تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی، رسانه‌ای و فرهنگی و نیز واکنش‌های فردی به چالش‌های هویتی و معیشتی شکل گرفته‌اند. گفتمان‌هایی چون «زن، زندگی، آزادی» نیز مفاهیمی چون آزادی بدن و طرد نگاه سنتی به حجاب را برجسته کرده‌اند. بنابراین، حجاب دیگر صرفاً یک تکلیف دینی یا قانونی نیست، بلکه پدیده‌ای چندبعدی است که باید در بستر عوامل روانی، اجتماعی و سیاسی تحلیل شود. تحلیل جامعه‌شناختی این روند می‌تواند به سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و آموزشی مؤثرتر کمک کند، به‌ویژه در شرایطی که

تداوم روند عادی سازی بی حجابی می تواند انسجام اجتماعی و ارزش های خانوادگی را با چالش مواجه کند.

۵. ادبیات نظری تحقیق

قدرت فرهنگی و اجتماعی، بنیان اصلی انقلاب اسلامی است و حجاب در جایگاه یکی از نمادهای آن، جایگاهی برجسته دارد. برای تحلیل پدیده کشف حجاب، نمی توان یک عامل را کافی دانست؛ بلکه باید ترکیبی از عوامل فردی، خانوادگی، فرهنگی و ساختاری را مدنظر قرار داد. تغییر نگرش های فرهنگی، تعاملات اجتماعی و فضای سیاسی، همگی در شکل گیری این پدیده مؤثرند. نظریه های جامعه شناسی مختلف نیز می توانند ابعاد این مسئله را تبیین کنند:

نظریه گزینش عقلانی: افراد با سنجش سود و زیان، رفتار خود را انتخاب می کنند. «رفتار منحرفانه نوعی تصمیم عقلانی است» (رفیع پور، ۱۳۷۸، ص ۱۱۳) و بی حجابی را می توان نتیجه تسامح ساختاری و فقدان واکنش بازدارنده دانست.

نظریه یادگیری: «کج روی محصول معاشرت با کسانی است که تعاریف مثبتی از قانون شکنی ارائه می دهند.» (ممتاز، ۱۳۸۱، ص ۹۲) هرچه تعامل با گروه های بی حجابی بیشتر شود، گرایش به آن تقویت می گردد.

نظریه هویت اجتماعی: «هویت اجتماعی زمانی معنا دارد که فرد تعلق به گروهی خاص را ارزشمند بداند.» (رضایی قادری، ۱۳۹۸، ص ۸۰) بی حجابی می تواند نوعی همانندسازی با گروهی با ارزش های متمایز باشد.

نظریه کنترل اجتماعی: «نبود کنترل اجتماعی علت اصلی کج رفتاری است.» (سروستانی، ۱۳۹۰، ص ۵۳) در این نظریه، «وابستگی، تعهد، درگیری و اعتقاد» عناصر مهار کننده رفتار نابهنجار شناخته می شوند.

در نتیجه، تحلیل پدیده بی حجابی نیازمند رویکردی چندبعدی و بهره گیری از نظریات جامعه شناسی است تا بتوان سیاست های مؤثری در حوزه فرهنگ تدوین کرد.

۶. فرضیات تحقیق

- ۱- میان انگیزه کشف حجاب و وضعیت تأهل بانوان کشف حجاب کرده تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۲- میان انگیزه کشف حجاب و رده‌های سنی بانوان کشف حجاب کرده تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۳- میان انگیزه کشف حجاب و میزان تحصیلات بانوان کشف حجاب کرده تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۴- میان انگیزه کشف حجاب و وضعیت اقتصادی بانوان کشف حجاب کرده تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۵- میان انگیزه کشف حجاب و تجربه یا عدم تجربه سفرهای خارجی بانوان کشف حجاب کرده تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۶- میان انگیزه کشف حجاب و مشاهده یا عدم مشاهده بانوان کشف حجاب کرده از شبکه‌های ماهواره‌ای تفاوت معنادار وجود دارد.

۷. روش تحقیق

این تحقیق با روش پیمایش انجام شده است. روش تحقیق پیمایش یکی از مهم‌ترین و متداول‌ترین روش‌های جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی است که به وسیله پرسشنامه یا مصاحبه ساختاریافته انجام می‌شود. این روش به محقق امکان می‌دهد تا نگرش‌ها، رفتارها و ویژگی‌های یک جامعه آماری را به صورت کمی و گسترده بررسی کند و نتایج به دست آمده را با نمونه‌گیری صحیح به کل جامعه تعمیم دهد. روش پیمایش به دلیل قابلیت جمع‌آوری داده‌های دقیق و قابل تحلیل و همچنین اجرای سریع و اقتصادی، در پژوهش‌های مختلف کاربرد فراوانی دارد (عباس‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۹۵).

۷-۱. جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این طرح بانوان بی حجاب مناطق ۲۲ گانه شهر تهران است. «نتایج تجمیعی شش پیمایش و مطالعه کلان ملی از ابتدای سال ۱۴۰۱ تا خرداد ۱۴۰۲ توسط مراکز پژوهشی، دانشگاهی، سیاستگذاری و رسانه‌ای نشان می‌دهد، میانگین کسانی که در تهران به صورت بدون حجاب (نداشتن شال یا روسری و بدون پوشاندن موی سر) در سطح معابر رفت و آمد دارند، ۹/۳ درصد کل بانوان متردد در معابر هستند. بی حجابی به‌طور طبیعی در برخی مراکز مثل بعضی مراکز خرید و تفریحی بیشتر و در برخی معابر و اماکن عمومی کمتر از این مقدار قابل مشاهده است.» (روزنامه اطلاعات، ۱۴۰۲، ۱۲ شهریور) از آن جایی که آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در ایران در سال ۱۳۹۵ انجام شده است؛ لذا با کمک نرم‌افزار پیش‌بینی جمعیت (اسپکتروم) تعداد زنان بالای ۱۸ سال مناطق شهری شهر تهران برای سال ۱۴۰۲ برابر با ۳۶۳۸۰۰۰ نفر است. (مرکز آمار ایران) بنابراین تعداد زنان کشف حجاب کرده شهر تهران حدود ۳۳۸۳۳۴ نفر برآورد می‌شود.

تعداد نمونه بر اساس فرمول کوکران با خطای ($d=0.032$) حدود ۹۷۵ نفر است؛ اما برای اطمینان بیشتر حجم نمونه آماری به هزار نفر افزایش داده شد. در انتها تعداد ۹۹۲ پرسشنامه سالم و دارای اطلاعات کامل به‌دست آمد. نمونه‌گیری به‌صورت خوشه‌ای و تصادفی است. جدول زیر تعداد نمونه در مناطق مختلف شهر را نشان می‌دهد. با توجه به حساسیت موضوع و شرایط زمانی امکان مصاحبه عمیق و کیفی با بانوان کشف حجاب کرده وجود نداشت، صرفاً برای مجاب ساختن پاسخگویان با عنوان یک کار تحقیقاتی دانشگاهی، پرسشنامه بهترین ابزار گردآوری داده بود.

منطقه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲
فراوانی	۴۲	۵۶	۴۰	۴۷	۴۰	۵۸	۴۲	۴۹	۴۰	۴۰	۵۸	۴۵	۴۰	۴۸	۴۴	۴۵	۴۶	۴۰	۴۷	۴۵	۴۰	۴۰

۲-۷. تعریف عملیاتی مؤلفه‌ها و شاخص‌ها

جدول شماره ۱: مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و گویه‌های سنجش انگیزه‌های بی‌حجابی

مؤلفه	شاخص	گویه‌ها (طیف کاملاً موافق تا کاملاً مخالف)
انگیزه‌های سیاسی	مخالفت با نظام اسلامی	به هر قیمتی موافق تغییر نظام هستم حتی اگر گزینه جایگزین چندان مطلوب هم نباشد.
	نه به حجاب اجباری	قصدم از برداشتن روسری نشان دادن مخالفتم با حجاب اجباری است.
	اعتراض به وضعیت اقتصادی	من با وضعیت اقتصادی موجود معترضم و با برداشتن روسری اعتراضم را بیان می‌کنم.
انگیزه‌های فردی و بینشی	تعریف متفاوت از بی‌حجابی	بدون روسری بیرون آمدن بی‌حجابی نیست.
	مطلوبیت آزادی حجاب	ای کاش زنان ما هم مثل غرب آزاد بودند.
	ادعای یکرنگی	ظاهر و باطن من با این نوع پوشش یکی است.
	بی‌تفاوتی	نداشتن روسری و پیدا بودن موها این قدر هم مهم نیست، نباید حساس بود.
	تجربه کردن بی‌حجابی	یکی از انگیزه‌هایم برای نپوشیدن روسری، تجربه کردن این مدل است.
	عدم تلقی حجاب به مثابه دستور خدا	حجاب دستوری از جانب خدا نیست.
	نامناسب دانستن قوانین اسلام برای امروز	قوانین اسلام برای دنیای امروز مناسب نیست.

مؤلفه	شاخص	گویه‌ها (طیف کاملاً موافق تا کاملاً مخالف)
انگیزه‌های خانوادگی	سبک زندگی خانوادگی	سبک زندگی خانوادگی آنان این مدل پوشش را می‌پسندد
	همراهی همسر با بی‌حجابی	همسر من موافق با نوع پوشش من است
		همسر من با این که با نوع پوشش من مخالف هستند؛ اما به نظر من احترام می‌گذارد و آن را پذیرفته است.
		پدر و مادرم موافق با نوع پوشش من است.
	همراهی خانواده با بی‌حجابی	پدر و مادرم با این که با نوع پوشش من مخالف هستند اما به نظر من احترام می‌گذارند و آن را پذیرفته‌اند.
	همراهی جامعه با بی‌حجابی	با نداشتن روسری، مردم آن‌ها را فردی شجاع و تحسین‌برانگیز می‌دانند
آیا بی‌حجابی را می‌پسندید؟	همراهی دوستان با بی‌حجابی	با داشتن روسری، دوستانم رهايم می‌کنند.

۷-۳. پایایی و اعتبار تحقیق

پایایی و اعتبار تحقیق نشان‌دهنده دقت ابزارهای سنجش پدیده مورد نظر است. پایایی به ثبات پاسخ‌ها در زمان‌های مختلف اشاره دارد و اعتبار نشان می‌دهد آیا ابزار، همان چیزی را می‌سنجد که باید بسنجد. به گفته (دواس، ۱۳۷۶، ص ۶۳)، اعتبار به کاربرد سنجه برای موضوع خاص مربوط است، نه به خود سنجه. در این تحقیق، روایی ابزار از طریق اعتبار صوری و محتوایی با نظر متخصصان حوزه زنان و خانواده و اساتید حوزوی بررسی شده و برای سنجش پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شده است که رایج‌ترین روش در این زمینه است (دواس، ۱۳۷۶، ص ۲۵۲). نتیجه نشان داد که پرسشنامه محقق ساخته با آلفای ۰/۷۰۳ دارای پایایی قابل قبول است.

جدول شماره ۲: میزان پایایی (آلفا) مؤلفه‌های انگیزه کشف حجاب

میزان آلفا	مؤلفه‌های کشف حجاب
۰/۷۶	انگیزه‌های فردی
۰/۶۸	انگیزه‌های سیاسی
۰/۷۳	انگیزه‌های خانوادگی
۰/۷۰۱	انگیزه‌های اجتماعی
۰/۷۰۳	کل

۸. یافته‌های تحقیق

در این بخش، ابتدا به توصیف سیمای پاسخ‌گویان («کشف کنندگان حجاب») پرداخته می‌شود تا تصویری روشن از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اجتماعی آنان ارائه گردد. سپس، یافته‌های محوری پژوهش در قالب انگیزه‌های کشف حجاب مورد بررسی قرار می‌گیرند که مهم‌ترین آن‌ها شامل انگیزه‌های فردی، خانوادگی، سیاسی و اجتماعی است. تحلیل این یافته‌ها بر اساس داده‌های گردآوری شده انجام شده و در ارتباط مستقیم با اهداف پژوهش قرار دارد.

۸-۱. یافته‌های صوری (سیمای پاسخ‌گویان)

در این بخش، ابتدا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌گویان مانند سن، تأهل و تحصیلات بررسی می‌شود؛ چراکه این متغیرها نقش مهمی در تحلیل انگیزه‌های کشف حجاب دارند. سپس شاخص‌های تحقیق در چهار بُعد سیاسی، فردی، خانوادگی و اجتماعی به صورت تفکیکی تحلیل می‌شوند تا عوامل مؤثر بر کشف حجاب روشن شده و زمینه تبیین نتایج و ارائه پیشنهادها کاربردی فراهم گردد.

▪ ۶/۶ درصد پاسخ‌گویان مجرد و ۴۲/۸ درصد آنان متأهل‌اند. همچنین ۸/۷ درصد طلاق گرفته و ۱/۹ درصد همسر فوت شده هستند.

- بیشترین درصد پاسخگویان (۳۹/۲) در رده سنی ۲۳ تا ۳۲ سال (دهه ۷۰) قرار دارند. گروه سنی ۳۳ تا ۴۲ سال (دهه ۶۰) (۳۰/۷)، گروه سنی ۱۸ تا ۲۲ سال (دهه ۸۰) (۱۹/۹)، گروه سنی ۴۳ تا ۵۲ سال (دهه ۵۰) (۹/۴) و ۵۳ تا ۶۲ سال (دهه ۴۰) (۸) در رتبه‌های بعدی قرار دارند.
- بیشترین درصد پاسخگویان (۳۷/۲) مدرک دیپلم دارند. پاسخگویان دارای تحصیلات کارشناسی (۳۲/۱) درصد، فوق دیپلم (۱۸/۱) درصد، کارشناسی ارشد (۹/۴) درصد، دکترا (۱/۸) درصد و زیر دیپلم (۱/۴) درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.
- بیشترین درصد پاسخگویان (۳۴/۹) را زنان خانه‌دار تشکیل می‌دهند. دانشجویان (۲۵/۱) درصد، شاغلین آزاد (۱۹/۳) درصد، کارمندان (۱۴/۳) درصد، بیکارها (۴/۱) درصد، معلمان (۱) درصد، استاد (۰/۸) درصد، پشت کنکوری (۰/۴) درصد و بازنشسته (۰/۱) درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.
- بیشترین درصد پاسخگویان (۵۷/۶) وضعیت اقتصادی خود را «متوسط» می‌دانند. به ترتیب ۳۳/۳ درصد وضعیت اقتصادی خود را «بالا»، ۶/۹ درصد «پایین»، ۱/۹ درصد «خیلی بالا» و ۰/۴ درصد «خیلی پایین» گزارش کرده‌اند.
- ۷۱/۲ درصد پاسخگویان سفر خارج از ایران نداشته‌اند ۲۸/۸ درصد افراد نیز سفر خارجی داشته‌اند که از این میان کشورهایمانند ترکیه، دبی، ارمنستان، آلمان و عراق بیشترین درصد فراوانی را داشته‌اند.
- ۷۳/۷ درصد بانوان کشف حجاب کرده برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای را جذاب‌تر از پلتفرم‌های ایرانی می‌دانند. ۲۶/۳ درصد با این دیدگاه مخالف هستند.

۸-۲. یافته‌های محوری

در این مقاله عوامل انگیزشی کشف حجاب «کشف کنندگان حجاب» در چهار دسته اصلی مورد بررسی قرار گرفت. انگیزه‌های فردی شامل تمایلات یک رنگی، آزادی، متفاوت بودن و ابراز هویت شخصی است. انگیزه‌های خانوادگی به تأثیر سبک زندگی،

نوع روابط درون خانواده و نگرش والدین و همسر بازمی‌گردد. در بُعد اجتماعی و سیاسی، فشارهای محیطی، تأثیر شبکه‌های اجتماعی، گفتمان‌های نوین و نارضایتی از ساختارهای رسمی از جمله دلایل برجسته به شمار می‌روند.

۸-۲-۱. انگیزه کشف حجاب

تحلیل یافته‌های آماری مرتبط با انگیزه‌های کشف حجاب در میان «کشف‌کنندگان حجاب» در شهر تهران نشان می‌دهد که اکثریت افراد در سطحی میانه از انگیزش قرار دارند؛ به گونه‌ای که ۷۷/۴ درصد از کنشگران کشف حجاب گرایش‌هایی با شدت متوسط را ابراز کرده‌اند. این امر بیانگر آن است که در بخش غالب این گروه، کنش کنار گذاشتن حجاب نه از سر اجبار یا فشار حداکثری، بلکه محصولی از ترکیبی از عوامل میان‌سطحی، متداخل و چندبعدی است. در مقابل، تنها ۴/۵ درصد از «کشف‌کنندگان حجاب» انگیزه‌ای قوی و معطوف به عاملیت فردی و تصمیم‌گیری آگاهانه و تأملی داشته‌اند؛ که می‌توان آن را به سطحی از آگاهی انتقادی یا تجربه‌زیسته منسجم نسبت داد. همچنین، حدود ۱۸ درصد از «کشف‌کنندگان حجاب» انگیزه‌های ضعیف‌تری را گزارش کرده‌اند که می‌تواند ناظر بر پای‌بندی به نرم‌های سنتی، نبود محرک‌های ساختاری قوی یا عدم درونی‌سازی فشارهای محیطی باشد.

در سطح تحلیل آماری، میانگین نمره انگیزه کشف حجاب برابر با ۴۰/۴۴ از حداکثر ۶۸ گزارش شده است؛ عددی که حاکی از سطحی نسبتاً بالا ولی نه افراطی از تمایل به کنار گذاشتن حجاب است. انحراف معیار برابر با ۶/۷۷ نیز نشان می‌دهد که توزیع انگیزه‌های کشف حجاب از تنوع نسبی برخوردار است و گویای ناهمگونی در سطح عاملیت فردی میان «کشف‌کنندگان حجاب» است. حداقل نمره (۱۷) و حداکثر نمره (۵۸) نیز بر گستره قابل توجه نگرش‌ها و تجارب زیسته افراد دلالت دارد.

از منظر شکل توزیع داده‌ها، چولگی منفی خفیف (۰/۲۰۸-) نشان‌دهنده آن است که توزیع نمرات اندکی به سمت نمرات بالا متمایل است، به این معنا که تعداد کمتری از «کشف‌کنندگان حجاب» دارای انگیزه‌های قوی‌تر بوده‌اند و بیشتر آن‌ها در حول و حوش

میانگین یا در سطوح پایین تر قرار دارند. همچنین، کشیدگی نزدیک به صفر (۰/۱۰۱) دلالت بر توزیعی نسبتاً نرمال دارد که از نبود تمرکز غیرمتعارف داده‌ها پشتیبانی می‌کند. در مجموع می‌توان گفت که انگیزه کشف حجاب در جامعه آماری (کشف کنندگان حجاب) مورد بررسی، پدیده‌ای با شدت انگیزشی عمدتاً میانه، متأثر از زمینه‌های فردی، خانوادگی، سیاسی و فرهنگی است. این یافته‌ها زمینه‌ساز تفسیرهای جامعه‌شناختی ژرف‌تری درخصوص عاملیت زنان، بازتعریف هویت زنانه و واکنش به گفتمان‌های مسلط در حوزه پوشش خواهد بود (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳: درصد فراوانی و آماره‌های انگیزه کشف حجاب بانوان

انگیزه کشف حجاب	فراوانی	درصد
قوی	۴۵	۴,۵
متوسط	۷۶۸	۷۷,۴
ضعیف	۱۷۹	۱۸
آماره	تعداد گویه	۱۷
	میانگین (از ۶۸)	۴۰/۴۴
	انحراف معیار	۶/۷۷
	واریانس	۴۵/۸۸
	حداقل نمره	۱۷
	حداکثر نمره	۵۸
	چولگی	-۰/۲۰۸
	کشیدگی	۰/۱۰۱

۸-۲-۲. انگیزه‌های سیاسی کشف حجاب

انگیزه‌های سیاسی کشف حجاب را می‌توان در سه سطح بررسی کرد: نخست،

مخالفت با نظام سیاسی که حجاب را نماد حاکمیت دینی می‌داند؛ دوم، اعتراض مدنی علیه اجبار قانونی پوشش؛ و سوم، نارضایتی اقتصادی که کشف حجاب را به فریادی نمادین بدل می‌کند. در هر سه سطح، این کنش بیانگر نارضایتی سیاسی و اجتماعی فراتر از تصمیمی فردی است.

۸-۲-۱. مخالفت با نظام اسلامی

۶۴/۵ درصد از بانوان کشف حجاب کرده موافق تغییر نظام اسلامی هستند حتی اگر گزینه جایگزین چندان مطلوب نباشد. ۱۸/۴ درصد آنان با تغییر نظام اسلامی مخالفند و ۱۷ درصد نیز نظری ندارند. در مجموع، این اعداد نشان‌دهنده وجود یک تمایل گسترده برای تغییر در میان بانوان کشف حجاب کرده است که می‌تواند ناشی از احساس نارضایتی از وضعیت موجود باشد، حتی اگر گزینه‌های جایگزین به‌طور کامل مطلوب نباشند. فشارهای اجتماعی، تغییرات اقتصادی و اجتماعی و گسترش آگاهی‌های سیاسی از عواملی هستند که می‌توانند در شکل‌گیری این نگرش‌ها تأثیرگذار باشند. در عین حال، گروه‌های مخالف و بی‌تفاوت نیز نقش مهمی در ساختار اجتماعی دارند که می‌تواند به‌طور متفاوت به نتایج اجتماعی و سیاسی منجر شود. این گروه از افراد ممکن است از نظام موجود راضی باشند و به دلایل مختلف، مانند تعلق به ارزش‌های فرهنگی، دینی یا سیاسی خاص، تمایلی به تغییرات عمده نداشته باشند.

۸-۲-۲. اعتراض مدنی (نه به حجاب اجباری)

۵۶/۸ درصد بانوان کشف حجاب کرده، علت کشف حجاب خود را ابراز مخالفت با حجاب اجباری بیان کرده‌اند. مخالفان حجاب با استفاده از واژه «اجبار» تلاش می‌کنند تا بحث را به گونه‌ای چارچوب‌بندی کنند که هر پاسخی به پرسش «آیا اسلام حجاب را اجباری می‌داند؟» به نفع آن‌ها تمام شود. این در حالی است که این پرسش، یک دوگانه‌سازی کاذب است. اگر به این پرسش پاسخ منفی دهیم، به یکی از واجبات اسلام که مورد اتفاق بسیاری از مسلمانان است، بی‌اعتنایی کرده‌ایم. از سوی دیگر، اگر

پاسخ مثبت دهیم، استفاده از واژه «اجبار» ممکن است تصویری محدودکننده و حتی اقتدارگرایانه از اسلام ارائه دهد. این در حالی است که بسیاری از مسلمانان، حجاب را انتخابی آگاهانه و نشانه‌ای از هویت دینی خود می‌دانند. لازم است به این نکته توجه کنیم که مقوله پوشش در اماکن عمومی، صرف نظر از باورهای دینی، یک مسئله اجتماعی و حقوقی است. تمام جوامع، برای حفظ نظم و اخلاق عمومی، محدودیت‌هایی را برای پوشش افراد در نظر می‌گیرند. بنابراین، بحث حجاب را نباید صرفاً در مقام یک مسئله دینی، بلکه در جایگاه یک موضوع اجتماعی با ابعاد حقوقی نیز مورد بررسی قرار داد. به جای تمرکز بر واژه «اجبار»، بهتر است به دنبال دلایل و انگیزه‌های افراد در انتخاب نوع پوشش خود باشیم. عوامل فرهنگی، اجتماعی، روانشناسی و حتی سیاسی می‌توانند در این انتخاب نقش داشته باشند.

۸-۲-۳. اعتراض اقتصادی

۶۴/۹ درصد علت کشف حجاب خود را اعتراض به وضعیت اقتصادی موجود دانسته‌اند. البته باید به این نکته توجه داشت اعتراض اقتصادی به معنای این نیست که این افراد از لحاظ وضعیت اقتصادی در حد پایین قرار دارند. چنانچه در نتایج آمده است ۳۵/۲ درصد وضعیت اقتصادی خود را خوب و عالی و ۵۷/۶ درصد متوسط ارزیابی کرده‌اند؛ بنابراین بخشی از این اعتراض اقتصادی نشان از این دارد که سطح توقع عموم جامعه برای حل مشکلات اقتصادی بالا رفته است اگرچه خودشان هم درگیر با فقر اقتصادی نباشند.

۸-۲-۳. انگیزه‌های فردی و بینشی کشف حجاب

انگیزه‌های فردی و بینشی کشف حجاب برخاسته از نگاه متفاوت به دین، هویت و سبک زندگی است. برخی زنان حجاب را نه الزام شرعی، بلکه پدیده‌ای فرهنگی می‌دانند و انتخاب آزادانه پوشش را طبیعی می‌پندارند. گروهی نیز کشف حجاب را نشانه صداقت درونی و پرهیز از ریا تلقی می‌کنند. تجربه گرایی، بی‌اعتقادی به

وجوب شرعی حجاب و ناسازگار دانستن آن با زندگی مدرن، از دیگر عوامل بینشی این کنش‌اند.

۸-۲-۳-۱. تعریف متفاوت از بی‌حجابی

۸۲/۹ درصد بانوان کشف حجاب کرده معتقدند «بدون روسری بیرون آمدن به معنای بی‌حجابی نیست». ۲/۶ درصد آنان با این مقوله مخالف‌اند و ۱۴/۵ درصد نظری در این موضوع نداشته‌اند. «بر اساس رویکرد عقلانی، افراد حجاب را بر اساس روانشناسی فردی، موازین باوری و اعتقادی خویش، صحیح قلمداد نموده و آن را به‌مثابه بهترین راه ممکن در نظر می‌گیرند که قرین با آورده‌های حداکثری و هزینه‌های حداقلی خواهد بود.» (جوادی یگانه، ۱۳۸۷، ص ۳۳) در گفتگوی با بانوان کشف حجاب کرده یکی از نکات قابل تأمل این است که خود را بی‌حجاب نمی‌دانند؛ بلکه از نظر آنان برداشتن روسری به معنای بی‌حجابی نیست. به نظر می‌رسد هنوز بانوان کشف حجاب کرده، اصل حجاب و پوشش را ارزش می‌دانند و نشان‌دهنده این است که بار هنجاری حجاب در جامعه بالاست و افراد نمی‌خواهند برچسب بی‌حجابی به آنان زده شود.

۸-۲-۳-۲. مطلوبیت آزادی حجاب

۷۳/۶ درصد بانوان کشف حجاب کرده معتقدند «ای کاش زنان ما هم مثل غرب آزاد بودند». ۶/۱ درصد آنان با این مقوله مخالف‌اند و ۲۰/۳ درصد نیز در این موضوع نظری ندارند. این آمار نشان می‌دهد که شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی در بین بانوان کشف حجاب کرده در مورد آزادی‌ها و حقوق زنان وجود دارد. از یک طرف، درصد زیادی از آنان احساس می‌کنند که آزادی‌های بیشتری برای زنان در غرب وجود دارد و تمایل دارند که شرایط مشابهی را در ایران ببینند. از طرف دیگر، برخی از بانوان مخالف این مقایسه‌اند و اعتقاد دارند که فرهنگ و مذهب ایران ویژگی‌هایی دارند که باید حفظ شوند.

۸-۲-۳-۳. ادعای یکرنگی

۹۴/۶ درصد بانوان کشف حجاب کرده معتقدند «ظاهر و باطن آنان با این نوع

پوشش یکی است». ۱/۶ درصد آنان با این مقوله مخالف‌اند و ۳/۸ درصد در این زمینه نظری ندارند. ریشه بسیاری از چالش‌های مرتبط با حجاب، به ضعف در عفاف باطنی و فقدان ایمان قوی به ارزش‌ها و آثار مثبت حجاب برمی‌گردد. هرچند حجاب ظاهری به تنهایی تضمین‌کننده عفاف کامل نیست، اما عفاف بدون رعایت پوشش مناسب نیز معنایی ندارد. عریان یا نیمه‌عریان‌بودن در انظار عمومی، صرف نظر از ادعاهای درونی، با مفهوم عفاف در تضاد است. حجاب ظاهری، نه تنها یک نماد، بلکه یک عامل تقویت‌کننده عفاف باطنی نیز هست. به عبارت دیگر، عفاف و حجاب در یک رابطه متقابل قرار دارند و هر یک بر دیگری تأثیر می‌گذارد. برای ترویج حجاب، باید به جای تمرکز صرف بر جنبه‌های ظاهری، به تقویت بنیان‌های اعتقادی و ارزش‌های اخلاقی پرداخت. همچنین، ایجاد فضایی امن و حمایتی برای بانوان، به طوری که بتوانند آزادانه در مورد باورها و انتخاب‌های خود صحبت کنند، بسیار مهم است.

۸-۲-۳-۴. بی‌تفاوتی

۸۳/۶ درصد بانوان کشف حجاب کرده معتقدند «نداشتن روسری و پیدا بودن موها این قدر هم مهم نیست، نباید حساس بود». ۵/۱ درصد آنان با این مقوله مخالف‌اند و ۱۱/۳ درصد در این موضوع نظری ندارند. این آمار نشان می‌دهد که هنجارهای اجتماعی در خصوص حجاب در میان برخی از اقشار جامعه تضعیف شده است. اصلی‌ترین علت بی‌حجابی عدم آگاهی و فهم درست از فلسفه عفاف و حجاب و نقش آن در سلامت و آرامش فردی، خانوادگی و اجتماعی است. گروه بی‌تفاوت‌ها نشان می‌دهد که برخی از افراد به اندازه کافی درگیر این موضوع نیستند یا اطلاعات کافی در مورد آن ندارند.

۸-۲-۳-۵. بی‌حجابی برای تجربه

۶۰/۸ درصد بانوان کشف حجاب کرده تمایل دارند برداشتن روسری را تجربه کنند و یکی از انگیزه‌های آنان از کشف پوشش همین بوده است. ۱۵/۶ درصد آنان با این مقوله مخالف‌اند و ۲۳/۶ درصد در این موضوع نظری ندارند. از بین گروه‌های سنی

افرادی که در رده سنی پایین تری قرار دارند تمایل بیشتری برای تجربه بی حجابی دارند بر این اساس ۳۳ درصد از گروه سنی ۱۸ تا ۲۵ سال، ۳۷/۱ درصد از گروه سنی ۲۵ تا ۳۵ سال، ۲۴/۵ درصد از گروه سنی ۳۵ تا ۴۵ سال و فقط ۴/۸ درصد از گروه سنی ۴۵ تا ۵۵ سال برای تجربه دست به کشف حجاب زده‌اند.

۸-۲-۳-۶. عدم تلقی حجاب به مثابه دستور خدا

۴۵ درصد بانوان کشف حجاب کرده بیان داشته‌اند که حجاب دستوری از جانب خدا نیست. ۱۵/۴ درصد آنان با این دیدگاه مخالف هستند و ۳۹/۶ درصد در این موضوع نظری ندارند. نتایج نشان از این دارد که بانوان کشف حجاب کرده، هیچ قصد جنگ با حجاب به مثابه یک امر مذهبی را ندارند و حتی خود را در حال نقض فرمان الهی نمی‌بینند، چرا که تنها ۱۵/۴ درصد ایشان حجاب را دستور خداوند می‌دانند.

۸-۲-۳-۷. نامناسب دانستن قوانین اسلام برای امروز

نتایج گویای آن است که ۶۵/۵ درصد بانوان کشف حجاب کرده قوانین اسلام را مناسب دنیای امروز نمی‌دانند. ۸/۱ درصد آنان معتقدند قوانین اسلام مناسب دنیای امروز است و ۲۶/۳ درصد نظری در این موضوع نداشته‌اند. این آمار نشان‌دهنده شکاف قابل توجهی بین باورهای دینی و درک افراد از نیازهای جامعه مدرن است. البته برخی افراد به اندازه کافی در مورد قوانین اسلامی و تطبیق آن با دنیای مدرن مطالعه نکرده‌اند یا به آن اهمیت نمی‌دهند.

۸-۲-۴. انگیزه‌های خانوادگی کشف حجاب

انگیزه‌های خانوادگی کشف حجاب غالباً ریشه در سبک زندگی خانواده و همراهی اعضای خانواده با نوع پوشش فرد دارد. حمایت یا بی‌تفاوتی همسر یا والدین نسبت به بی حجابی، زمینه‌ای برای عادی‌سازی و تداوم این کنش فراهم می‌سازد و نقش مؤثری در انتخاب و تثبیت نوع پوشش ایفا می‌کند.

۸-۲-۴-۱. سبک زندگی خانوادگی

۷۶/۱ درصد بانوان کشف حجاب کرده بیان داشته‌اند که «سبک زندگی خانوادگی آنان این مدل پوشش را می‌پسندد». ۷/۶ درصد آنان با این مقوله مخالف‌اند و ۱۶/۲ درصد در این موضوع نظری نداشته‌اند. خانواده و جامعه دو عامل مهم در ایجاد و تقویت پیوند میان فرد و جامعه و به دنبال آن کاهش کج‌رفتاری هستند. این دو عامل می‌توانند در نقش ابزار «یادگیری اجتماعی» که مهم‌ترین روش درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است، به کار روند. حجاب مانند هر آموزه دینی و اجتماعی دیگر، نیازمند یادگیری و اکتساب از محیط پیرامون است.

۴۳/۵ درصد بانوان کشف حجاب کرده اعلام داشته‌اند که خواهرشان همانند خودشان روسری و پوشش سر ندارد. ۲۰/۹ درصد مادر این بانوان نیز چنین وضعیتی دارند. ۲۷/۶ درصد آنان خواهر و ۸/۵ درصد مادر ندارند. بر این اساس، یکی از ریشه‌های اصلی «بدحجابی» و «کشف حجاب» را می‌توان در افزایش تحمل اجتماعی و کاهش قبح این رفتار جست‌وجو کرد. بسیاری از دختران خانواده‌های محجبه، اکنون در شمار بدحجابان قرار دارند، بی‌آنکه با واکنش یا اعتراضی از سوی خانواده مواجه شوند. در گذشته، به‌ویژه به دلیل تعهد دینی، «نهی از منکر» امری رایج و اخلاقی تلقی می‌شد و تذکر به بدحجابان نوعی مسئولیت شرعی و وجدانی محسوب می‌گردید. این فشار اجتماعی، نوعی بازدارندگی ایجاد می‌کرد؛ اما با کاهش حساسیت‌های دینی و رواج توجیهاتی مانند «احترام به حریم خصوصی» و «بی‌فایده بودن اجبار در عقاید»، عنصر «وابستگی خانوادگی» نیز اثر کتتری خود را از دست داده و بدحجابی تدریجاً به هنجاری پذیرفته تبدیل شده است.

۸-۲-۴-۲. همراهی همسر با بی‌حجابی

۶۹/۶ درصد بانوان کشف حجاب کرده متأهل اعلام داشته‌اند که همسرشان با این

نوع پوشش آنان موافق‌اند. ۱۷/۲ درصد آنان نیز اعلام داشته‌اند اگرچه همسرشان با نوع پوششان مخالف است؛ اما احترام می‌گذارند. فقط ۱۳/۲ درصد بیان داشته‌اند که همسرشان با نوع پوشش آنان مخالف و معترض است.

۸-۲-۴. همراهی پدر و مادر با بی‌حجابی

۵۱/۱ درصد بانوان کشف حجاب کرده غیر متأهل (مجردها، همسر فوت‌شده یا طلاق گرفته) اعلام داشته‌اند که خانواده‌شان با این نوع پوشش آنان موافق‌اند. ۳۲/۶ درصد آنان نیز اعلام داشته‌اند اگرچه خانواده‌شان با نوع پوششان مخالف است؛ اما احترام می‌گذارند. ۱۶/۲ درصد نیز بیان داشته‌اند که خانواده‌شان با نوع پوشش آنان مخالف و معترض است.

۸-۲-۵. انگیزه‌های اجتماعی کشف حجاب

در سطح اجتماعی، کشف حجاب تحت تأثیر فضای فرهنگی و تعاملات جمعی شکل می‌گیرد. همراهی دوستان و همسالان و پذیرش یا تشویق جامعه نسبت به بی‌حجابی، انگیزه‌ها و جسارت لازم برای انتخاب این سبک پوشش را در فرد تقویت کرده و آن را به کنشی پذیرفتنی و حتی ارزشمند در برخی محیط‌ها تبدیل می‌کند.

۸-۲-۱. همراهی جامعه با بی‌حجابی

۵۷/۱ درصد بانوان کشف حجاب کرده بیان داشته‌اند که با نداشتن روسری، مردم آن‌ها را فردی شجاع و تحسین‌برانگیز می‌دانند. ۱۸/۱ درصد آنان با این مقوله مخالف‌اند و ۲۴/۹ درصد نیز درباره این موضوع نظری ندارند. هویت اجتماعی افراد متأثر از گروه‌هایی است که به آن‌ها تعلق دارند. در جامعه‌ای که پوشش روسری هنجاری فرهنگی و دینی تلقی می‌شود، کنار گذاشتن آن می‌تواند نشانه‌ای از فاصله‌گیری از هویت جمعی و هنجارهای غالب باشد. با این حال، برخی گروه‌های دگراندیش یا منتقد

ساختار رسمی ممکن است این کنش را نماد شجاعت و اعتراض بدانند. در چنین شرایطی، فرد با ترک روسری، هویت اجتماعی تازه‌ای برای خود می‌سازد که نزد این گروه‌ها ارزشمند و قابل تحسین است. بنابراین، این رفتار می‌تواند بیانگر تحولی در هویت و نمادی از گسست اجتماعی از گذشته باشد.

۸-۲-۵. همراهی دوستان بابی حجابی

۲۳/۳ درصد بانوان کشف حجاب کرده بیان داشته‌اند که با داشتن روسری، دوستان ایشان رهاشان می‌کنند. ۵۹ درصد آنان با این مقوله مخالف‌اند و ۱۷/۷ درصد نیز درباره این موضوع نظری ندارند. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، بانوانی که بیان کرده‌اند با داشتن روسری دوستان‌شان آن‌ها را رها می‌کنند، نشان می‌دهد که در گروه‌های اجتماعی خاصی که رفتار پوشیدن روسری ناپسند یا خلاف هنجارهای گروه تلقی می‌شود، این عمل ممکن است باعث طرد اجتماعی فرد شود. این واکنش‌ها می‌تواند تقویت منفی باشد که فرد را از انجام این رفتار باز دارد. از سوی دیگر بانوانی که با این مقوله مخالفند یا نظری ندارند، ممکن است به‌خاطر تجربه‌های متفاوت اجتماعی یا فرهنگی، برخورد متفاوتی با این موضوع داشته باشند، که نشان‌دهنده تغییرات و تنوع در پاسخ‌های اجتماعی به این رفتار است.

۸-۳. یافته‌های تبیینی (آزمون فرضیات)

❖ فرضیه اول: میان انگیزه کشف حجاب و وضعیت تأهل بانوان کشف حجاب کرده تفاوت معنادار وجود دارد.

با توجه به میزان سطح معناداری آزمون برابری واریانس که بیش از ۰/۰۵ است؛ لذا شرط برابری واریانس برقرار است و با توجه به سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ آزمون T می‌توان نتیجه گرفت که میان انگیزه کشف حجاب و وضعیت تأهل بانوان تفاوت معنادار وجود دارد. میزان تفاوت میانگین انگیزه کشف حجاب بانوان متأهل ۴/۶۹۱ نمره بیشتر از مجردهاست.

جدول شماره ۴: تعداد و میانگین انگیزه کشف حجاب براساس وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	تعداد	میانگین
مجرد	۴۶۲	۳۸/۴۳
متأهل	۴۲۵	۴۳/۱۲

جدول شماره ۵: نتایج آزمون Levene برای بررسی برابری واریانس‌ها

و آزمون T برای مقایسه تفاوت میانگین‌ها

آزمون Levene		آزمون T		
مقدار آزمون	سطح معناداری	سطح معناداری	تفاوت میانگین	
1/113	0/292	0/000	-4/691	به شرط برابری واریانس

❖ فرضیه دوم: بین انگیزه کشف حجاب و رده‌های سنی بانوان کشف حجاب کرده تفاوت معنادار وجود دارد.

با توجه به میزان سطح معناداری آزمون برابری واریانس که بیش از ۰/۰۵ است؛ لذا شرط برابری واریانس برقرار است و با توجه به سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ آزمون ANOVA می‌توان نتیجه گرفت بین انگیزه کشف حجاب و رده‌های سنی بانوان تفاوت معنادار وجود دارد. با توجه به آزمون تعقیبی Tukey میزان تفاوت انگیزه کشف حجاب بانوان (۱۸ تا ۲۲ سال)، ۲/۷۲۵ نمره کمتر از بانوان (۲۲ تا ۳۲ سال)، ۲/۲۲۶ نمره کمتر از بانوان (۳۲ تا ۴۲ سال) و ۳/۲۵۶ نمره کمتر از بانوان (۴۲ تا ۵۲ سال) است.

جدول شماره ۶: نتایج آزمون Levene برای بررسی همگنی و آزمون ANOVA

برای مقایسه میانگین‌ها بین گروه‌ها

آزمون ANOVA			آزمون Levene		
درجه آزادی	مقدار آزمون	سطح معناداری	سطح معناداری	مقدار آزمون	
۴	۶/۴۰۱	0/000	۰/۹۲۱	۰/۲۳۱	بین گروه‌ها

جدول شماره ۷: نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه تفاوت معنادار میان گروه‌های سنی مختلف

آزمون تعقیبی Tukey					
دهه ۵۰ (۴۲ تا ۵۲ سال)		دهه ۶۰ (۳۲ تا ۴۲ سال)		دهه ۷۰ (۲۲ تا ۳۲ سال)	
میزان تفاوت	سطح معناداری	میزان تفاوت	سطح معناداری	میزان تفاوت	سطح معناداری
-۳/۲۵۶	۰/۰۰۱	-۲/۲۲۶	۰/۰۰۳	-۲/۷۲۵	۰/۰۰۰

❖ فرضیه سوم: میان انگیزه کشف حجاب و میزان تحصیلات بانوان کشف حجاب کرده تفاوت معنادار وجود دارد.

با توجه به میزان سطح معناداری آزمون برابری واریانس که کمتر از ۰/۰۵ است؛ لذا شرط برابری واریانس برقرار نیست. بنابراین از آزمون آماری ناپارامتریک فریدمن استفاده شده است و با توجه به سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ می‌توان نتیجه گرفت بین انگیزه کشف حجاب و میزان تحصیلات بانوان کشف حجاب کرده تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۸: نتایج آزمون Levene برای بررسی همگنی

و آزمون ناپارامتریک فریدمن برای مقایسه میانگین‌ها

آزمون ناپارامتریک فریدمن		آزمون Levene		مقدار آزمون	سطح معناداری
درجه آزادی	سطح معناداری	سطح معناداری	مقدار آزمون		
۱	0/000	۰/۰۰۷	۳/۲۳۰	بین گروه‌ها	

❖ فرضیه چهارم: میان انگیزه کشف حجاب و وضعیت اقتصادی بانوان کشف حجاب کرده تفاوت معنادار وجود دارد.

با توجه به میزان سطح معناداری آزمون برابری واریانس که بیش از ۰/۰۵ است لذا شرط برابری واریانس برقرار است و با توجه به سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ آزمون ANOVA می‌توان نتیجه گرفت بین انگیزه کشف حجاب و وضعیت اقتصادی بانوان کشف حجاب کرده تفاوت معنادار وجود دارد. با توجه به آزمون تعقیبی Tukey میزان تفاوت انگیزه کشف حجاب بانوان با وضعیت اقتصادی خیلی بالا، ۴/۹۵۳ نمره بیشتر از بانوان با وضعیت اقتصادی متوسط و ۶/۵۲۷ نمره بیشتر از بانوان با وضعیت اقتصادی پایین است. همچنین میزان تفاوت انگیزه کشف حجاب بانوان با وضعیت اقتصادی بالا ۱/۴۷۰ نمره بیشتر از بانوان با وضعیت اقتصادی متوسط و ۳/۰۴۴ نمره بیشتر از بانوان با وضعیت اقتصادی پایین است.

جدول شماره ۹: نتایج آزمون Levene برای بررسی همگنی

و آزمون ANOVA برای مقایسه میانگین‌ها بین گروه‌ها

آزمون ANOVA			آزمون Levene		مقدار آزمون	سطح معناداری
درجه آزادی	مقدار آزمون	سطح معناداری	سطح معناداری	مقدار آزمون		
۴	۶/۶۲۲	۰/۰۰۰	۰/۲۶۶	۱/۳۵۵	بین گروه‌ها	

جدول شماره ۱۰: نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه تفاوت‌های معنادار وضعیت اقتصادی

آزمون تعقیبی Tukey				
پایین		متوسط		وضعیت اقتصادی
میزان تفاوت	سطح معناداری	میزان تفاوت	سطح معناداری	
۶/۵۲۷	۰/۰۰۲	۴/۹۵۳	۰/۰۱۴	خیلی بالا
۳/۰۴۴	۰/۰۰۶	۱/۴۷۰	۰/۰۱۳	بالا

❖ فرضیه پنجم: میان انگیزه کشف حجاب و تجربه یا عدم تجربه سفرهای خارجی بانوان کشف حجاب کرده تفاوت معنادار وجود دارد.

با توجه به میزان سطح معناداری آزمون برابری واریانس که کمتر از ۰/۰۵ است؛ لذا شرط برابری واریانس برقرار نیست و با توجه به سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ آزمون T می‌توان نتیجه گرفت که میان انگیزه کشف حجاب و تجربه یا عدم تجربه سفرهای خارجی بانوان کشف حجاب کرده تفاوت معنادار وجود ندارد.

جدول شماره ۱۱: نتایج آزمون Levene و آزمون t برای بررسی تفاوت میانگین گروه‌ها

آزمون T		آزمون Levene		
تفاوت میانگین	سطح معناداری	سطح معناداری	مقدار آزمون	
۰/۶۵۸	۰/۱۶۶	۰/۰۱۰	۶/۵۹۷	به شرط برابری واریانس
۰/۶۵۸	۰/۱۵۱			به شرط عدم برابری واریانس

❖ فرضیه ششم: میان انگیزه کشف حجاب و مشاهده یا عدم مشاهده بانوان کشف حجاب کرده از شبکه‌های ماهواره‌ای تفاوت معنادار وجود دارد.

با توجه به میزان سطح معناداری آزمون برابری واریانس که بیشتر از ۰/۰۵ است؛ لذا شرط برابری واریانس برقرار است؛ اما با توجه به سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ آزمون T

می توان نتیجه گرفت که میان انگیزه کشف حجاب و مشاهده یا عدم مشاهده بانوان کشف حجاب کرده از شبکه های ماهواره ای تفاوت معنادار وجود ندارد.

جدول شماره ۱۲: نتایج آزمون Levene و آزمون t برای بررسی تفاوت میانگین گروه ها

آزمون T		آزمون Levene		
تفاوت میانگین	سطح معناداری	سطح معناداری	مقدار آزمون	
-۰/۴۹۲	۰/۳۱۵	۰/۱۱۵	۲/۹۴۰	به شرط برابری واریانس

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه نشان می دهد که تمامی ابعاد انگیزشی در نظر گرفته شده در این پژوهش، شامل انگیزه های فردی، خانوادگی، سیاسی و اجتماعی، با متغیر وابسته یعنی «انگیزه کشف حجاب» رابطه ای مثبت و از نظر آماری معنادار دارند. ($p < 0.05$) این بدان معناست که با افزایش هر یک از این انگیزه ها، تمایل به کشف حجاب نیز افزایش می یابد. در میان متغیرهای مستقل، انگیزه فردی با ضریب بتا (β) برابر با 0.653، قوی ترین عامل پیش بینی کننده محسوب می شود. این ضریب نشان می دهد که افزایش در سطح انگیزه های فردی، بیشترین سهم را در افزایش انگیزه کشف حجاب دارد. به عبارت دیگر، عوامل مرتبط با مطلوبیت آزادی حجاب، ادعای یکرنگی و...، بیش از سایر عوامل در شکل گیری انگیزه کشف حجاب نقش دارند.

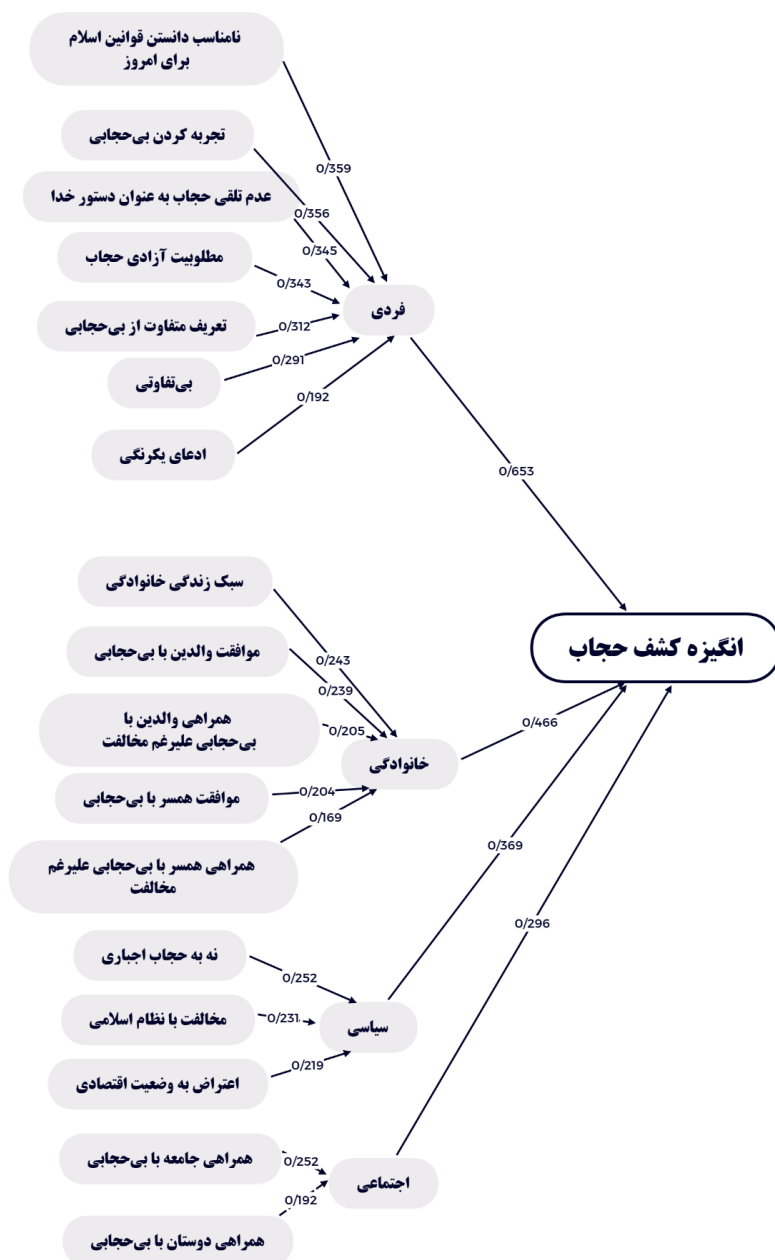
پس از آن، انگیزه خانوادگی با ضریب β معادل 0.466 در رتبه دوم قرار دارد. این یافته نشان می دهد که محیط سبک زندگی خانوادگی، همراهی همسر و پدر و مادر و ارزش های حاکم بر آن نیز نقش قابل توجهی در تقویت انگیزه کشف حجاب دارند. همچنین، انگیزه سیاسی ($\beta = 0.369$) و انگیزه اجتماعی ($\beta = 0.296$) به ترتیب در رتبه های بعدی قرار می گیرند و هر دو نقش موثری بر متغیر وابسته دارند، هرچند شدت نقش آن ها نسبت به انگیزه های فردی و خانوادگی کمتر است.

نکته قابل توجه آن است که مقادیر خطای استاندارد (بتا) پایین برای تمامی ضرایب رگرسیونی، حاکی از دقت آماری و قابلیت اعتماد بالای مدل در تبیین روابط میان

متغیرهاست. در مجموع، نتایج تحلیل‌ها بیانگر آن است که پدیده کشف حجاب نه تنها یک رفتار فردی، بلکه حاصل تعامل عوامل چندگانه در سطوح فردی، خانوادگی، سیاسی و اجتماعی است.

جدول شماره ۱۳: ضرایب بتا و خطای استاندارد مؤلفه‌ها و شاخص‌های انگیزه‌های کشف حجاب بانوان

مؤلفه	ضریب بتا	خطای استاندارد	شاخص	ضریب بتا
انگیزه‌های فردی	۰/۶۵۳	۰/۰۰۰	تعریف متفاوت از بی‌حجابی	۰/۳۱۲
			مطلوبیت آزادی حجاب	۰/۳۴۳
			ادعای یکرنگی	۰/۱۹۲
			بی‌تفاوتی	۰/۲۹۱
			تجربه کردن بی‌حجابی	۰/۳۵۶
			عدم تلقی حجاب به مثابه دستور خدا	۰/۳۴۵
			نامناسب دانستن قوانین اسلام برای امروز	۰/۳۵۹
انگیزه‌های خانوادگی	۰/۴۶۶	۰/۰۰۰	سبک زندگی خانوادگی	۰/۲۴۳
			موافقت همسر با بی‌حجابی	۰/۲۰۴
			همراهی همسر با بی‌حجابی علیرغم مخالفت	۰/۱۶۹
			موافقت والدین با بی‌حجابی	۰/۲۳۹
			همراهی والدین با بی‌حجابی علیرغم مخالفت	۰/۲۰۵
انگیزه‌های سیاسی	۰/۳۶۹	۰/۰۰۰	مخالفت با نظام اسلامی	۰/۲۳۱
			نه به حجاب اجباری	۰/۲۵۲
			اعتراض به وضعیت اقتصادی	۰/۲۱۹
انگیزه‌های اجتماعی	۰/۲۹۶	۰/۰۰۰	همراهی جامعه با بی‌حجابی	۰/۲۵۲
			همراهی دوستانی با بی‌حجابی	۰/۱۹۲



نتیجه‌گیری

هیچ کنشی بدون دلیل و مبادی انگیزشی لازم اعم از بینشی، ارزشی، نگرشی و احساسی اتفاق نمی‌افتد. عوامل محیطی نیز در شکل‌گیری این زمینه‌های انگیزشی در فرد و هم در شکل‌گیری و جهت‌یابی کنش عینی بسیار مؤثرند. قطعاً بی‌حجابی یک رفتار انتخابی است و مبادی شناختی خاص خود را دارد، چنانچه التزام به حجاب نیز این‌گونه است. از آنجا که سهم انگیزه‌های فردی در کشف حجاب بیشترین تأثیر را داشته است می‌توان گفت که برخی افراد به دلیل وجود برخی گره‌های ذهنی، ابهامات، شبهات و نقصان‌های معرفتی و تربیتی به این رفتار دست می‌زنند و به تبعات اجتماعی رفتار خود و هزینه‌هایی که بر خود و جامعه تحمیل می‌کنند، بی‌توجه‌اند. همچنین درصد قابل‌توجهی از بی‌حجابی‌ها هنوز به مرحله تثبیت نرسیده است؛ بدین معنا که بسیاری از این افراد در حال تجربه نوع خاصی از پوشش هستند. با توجه به رتبه دوم سهم انگیزه‌های خانوادگی در کشف حجاب نباید این پدیده را صرفاً امر فردی دانست بلکه در بستر خانواده و غالباً با همراهی و موافقت همسر و خانواده است. انگیزه‌های مخالفت با حاکمیت و اعتراض سیاسی در پدیده کشف حجاب هم مهم است و بی‌حجابی را نمی‌توان صرفاً معلول عوامل فرهنگی دانست. حمایت و تأیید جامعه نیز در رتبه آخر تأثیر بر کشف حجاب دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که میان انگیزه‌های کشف حجاب و وضعیت تأهل تفاوت معناداری وجود دارد و متأهلین انگیزه‌های قوی‌تری برای کشف حجاب دارند. همچنین بین انگیزه‌های کشف حجاب و سن، تحصیلات و وضعیت اقتصادی بانوان تفاوت معناداری وجود دارد. بااینکه در پدیده کشف حجاب با طبقه اقتصادی متوسط به بالا مواجه هستیم؛ اما از جمله انگیزه‌های بی‌حجابی، اعتراض به فضای اقتصادی کشور است و اتفاقاً افراد دارای تمکن مالی بیشتر، انگیزه‌های کشف حجاب قوی‌تری دارند. بر خلاف دیدگاه کسانی که فکر می‌کردند کشف حجاب متأثر از تجربه سفرهای خارجی و دیدن شبکه‌های ماهواره‌ای است؛ اما این تحقیق از عدم تفاوت معنادار بین انگیزه‌های کشف حجاب و این دو مقوله خبر می‌دهد.

از محدودیت‌های این پژوهش دسترسی به بانوان کشف حجاب کرده است که با توجه به موقعیت اجتماعی - سیاسی کشور به راحتی حاضر به همکاری نبودند. اگر در پژوهش‌های بعدی امکان گفتگوی عمیق‌تر با آنان فراهم شود در تفسیر و درک بهتر داده‌های موجود پیمایش حاضر کمک بیشتری خواهد کرد. لذا پیشنهاد می‌شود فضاهایی برای گفتگو و بیان دغدغه‌ها و مسائل این بانوان در محیط‌های کاملاً آرام و بدون تنش فراهم گردد و بخش‌های مختلف فرهنگی، نخبگانی (حوزوی و دانشگاهی) با گفتگو زمینه درک بیشتر و کمک به حل چالش به وجود آمده را فراهم کنند. تقدیر و تشکر: جمع‌آوری داده‌های پژوهش حاضر در مرکز مطالعات فرهنگی تیام وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی انجام شده است.

فهرست منابع

- جوادی یگانه، محمدرضا. (۱۳۸۷). رویکرد جامعه شناسانه نظریه انتخاب عقلانی. راهبرد فرهنگ، (۳)، صص ۳۳-۶۴.
- دواس، پل. (۱۳۷۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری (مترجم: علی سلاجقه). تهران: انتشارات آوای نور.
- رضایی قادری، خدیجه. (۱۳۹۸). هویت اجتماعی: بازخوانی مفهوم هویت در رویکردهای نظری. رشد آموزش علوم اجتماعی، ۲۲(۸۰)، صص ۱۲-۱۵.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی. تهران: سروش.
- مؤسسه اطلاعات. (۱۴۰۲). تازه‌ترین آمار از کشف حجاب و حجاب اجباری. روزنامه اطلاعات.
- سازمان تبلیغات اسلامی. (۱۳۹۰). پوشش و حجاب زنان ایران. موج اول. تهران: دفتر برنامه‌ریزی پژوهش‌های کاربردی.
- سروستانی، حسین. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: انتشارات سمت.
- عباس‌زاده، علی. (۱۳۹۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات سمت.
- محبوبی‌منش، حسین. (۱۳۸۶). تحلیل اجتماعی مسئله حجاب. کتاب زنان، ۱۰(۳۸).
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: نی.
- مؤسسه شناخت. (۱۴۰۲). مطالعه کمی نگرش بانوان کشف حجابی و بدحجاب نسبت به مقوله پوشش و حجاب، تهران: کارگروه مخاطب‌پژوهی.

ب) سایت‌ها

www.ettelaat.com

www.amar.org.ir